

بررسی پیامدهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) محیط اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس استثنایی دختر و پسر شهر یزد از دیدگاه معلمان

سمیه فلاح^۱، محمد حسین علیخانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه و آموزگار آموزش ابتدایی گروه آموزش استثنایی شهر یزد

^۲ دانشیار برنامه درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

چکیده

با توجه به شرایط خاص دانش آموزان استثنائی و لزوم سازماندهی و برنامه ریزی در جهت ارتقاء سطح کیفی در آموزش جهت دستیابی به اهداف آموزش، دانش آموزان عقب مانده ذهنی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ارائه راهبرد هایی متفاوت از روش های سنتی ضروری می نماید. هدف از پژوهش حاضر بررسی پیامدهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) محیط اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی مدارس استثنایی شهر یزد از دیدگاه معلمان می باشد. روش تحقیق، توصیفی از نوع کیفی است. به دلیل اینکه ماهیت برنامه درسی پنهان مملوس و قابل اندازه گیری با روش های کمی نیست صاحب نظران روش های کیفی را به عنوان روش مناسب پیشنهاد می کنند اکثر جامعه آماری، آموزگاران مدارس ابتدایی شهر یزد و حجم نمونه ۲۰ نفر از آموزگاران بود که بصورت گزینشی انتخاب شدند و کلیه تحلیل های مربوط به روش کیفی روی همین گروه انجام گردید ابزار تحقیق، در مطالعه حاضر مصاحبه بود. در تنظیم سؤالات مصاحبه از سؤالات معتبر و نظرات جمعی از صاحب نظران تعلیم و تربیت استفاده شده است. نتایج حاصل از سؤالات تحقیق حاکی از آن است که فضای مدرسه و نوع رفتار معلم تاثیر بسزایی بر نقش پذیری اجتماعی دانش آموزان استثنایی دارد. عدم تمایل به نظم پذیری در مدارس، پیامدهای منفی گوناگون و فراوانی برای دانش آموزان استثنایی در حیطه های آموزشی، اجتماعی و خانوادگی در بردارد. علاقه نداشتن به نظم پذیری حتی در دانش آموزانی که دچار مشکلات حاد و نابهنجار نیستند و زمینه قانون گریزی خود کم بینی و تخلفات بیشتر را در آنان فراهم می آورد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی پنهان، محیط اجتماعی، دانش آموزان، دوره ابتدایی، آموزش استثنایی.

مقدمه

برنامه درسی پنهان به عنوان یکی از ستونهای الزامی سازه علوم تربیتی نقش بی بدیلی در عملکرد های تربیتی داشته و فرآیندهای غیر رسمی را در بر گرفته است. برنامه درسی به منزله ظرف و ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکرد های چندگانه پیدا کرده و در صدد بر آمده تا همه اتفاق های آموزشی آشکار و پنهان و شکل عملی شدن انتظارات و مقاصد آموزشی را در خود جای دهد. برنامه درسی به منزله یک فرآیند می خواهد یک مسیری باشد که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم پیوند دهد (اسکندری، ۱۳۸۷، ص: ۱۱۴).

اگر چه برنامه درسی پنهان^۱ یکی از مفاهیم رشته برنامه درسی است و از جمله سرمایه های مفهومی^۲ آن به شمار می آید (مهر محمدی ۱۳۸۷)، اما ماهیت و چیستی آن همواره محل نزاع بوده است. شاید دلیل اصلی این نزاع را در مبهم بودن خود واژه برنامه درسی و از سوی دیگر در پنهان بودن آن جستجو کرد. جامعه شناسان، پژوهشگران آموزش و پرورش و روانشناسان، این مفهوم را غالباً برای توصیف نظام غیر رسمی مدرسه بکار می برند. شاید مهم ترین اثر مفهوم برنامه درسی پنهان در این نهفته است که پژوهشگران را به مشاهده تعلیم و تربیت، تدریس و آموزش مدرسه به منزله متنی که باید تفسیر یا معانی پنهان آن آشکار گردد، فرا می خواند. برنامه درسی پنهان نه درجایی نوشته شده و نه هیچ معلمی آن را درس می دهد. بلکه محیط آموزشی مدرسه، باتمام خصوصیاتش، آن را آموزش می دهد. صرف نظر از اینکه معلمان مدرسه تا چه اندازه متبهر و شایسته اند، یا برنامه درسی تا چه حد پیشرفت کرده است، دانش آموزان، اتفاقاً در معرض چیزی قرار می گیرند که هیچ گاه سخنی از آن در میان نبوده است. آنها، به مرور تحت تأثیر برنامه درسی پنهان مدرسه، رویکرد خاصی نسبت به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می کنند (دوانلو، ۱۳۸۷، ص: ۱۴۰).

تعریف برنامه ی درسی " پنهان " بسیار دشوار تر از اصطلاح برنامه درسی " رسمی " است. این به دلیل پیچیدگی تعریف اصطلاح " پنهان " است زیرا تجربیات و یادگیری دانش آموزان با یکدیگر تفاوت دارد؛ و همچنین با تغییرات تدریجی باورها و دانش هر اجتماع، دائماً در حال تغییر است. دانش آموزان معمولاً به طور مستقیم به برنامه های درسی پنهان پاسخ نمی دهند بلکه آنان از طریق تفسیرهای خود و ادراکات و اعمالشان در چارچوب تجارب یادگیری خود معنا می کنند و بر اساس آن چارچوب برنامه درسی پنهان را می سازند؛ به عبارت دیگر، برنامه درسی پنهان، جزئی از فرایند آموزشی مدرسه است که به سادگی قابل درک نیست، ولی بخشی از آن چه را که فرا گرفته می شود، تشکیل می دهد. این برنامه ها در ابعاد مختلف در محیط های مدرسه همانند جامعه، بازار، تلویزیون، رادیو، اینترنت، همچنین خارج از مدرسه مثل خانواده، سینما، کلاس درس، ورزشگاه ها و پارک ها بر روی فرایند یادگیری دانش آموزان به صورت غیر رسمی تأثیر می گذارند.

برنامه درسی پنهان، اصولاً مربوط به ساختار آموزشی است. به عنوان مثال؛ در سخن گفتن دو مؤلفه در هم تنیده است. اولین مؤلفه آن که آشکار سازی همین کلماتی است که از جنس اسم و فعل و حرف است که بیان می شود. این ها به خودی خود معنا ندارند و یا لا اقل مبهم هستند؛ اما یک چیز دیگری وجود دارد که همین کلمات را معنادار می کند، آن ساختار جمله و نحوه بیان است که آن را معنادار می کند. توجه ما معمولاً به خود کلمات است و کمتر معطوف به نحوه بیان آن می باشد، در آن صورت است که پنهان قلمداد می شود. بدین صورت حاشیه های یک کلام، ساختار مفهوم برنامه درسی پنهان را تشکیل می دهد (اسکندری، ۱۳۸۷، صص ۱۰۶)

1. hidden curriculum

2. conceptual Investment

بیان مسئله

امروزه مدرسه به موقعیتی اجتماعی تبدیل شده و منزلتی بسیار مهم پیدا کرده است. به طوری که وظیفه اجتماعی کردن و آماده سازی نسل آینده به او سپرده شده است. مدرسه به پلی ارتباطی تبدیل شده است که نهاد خانواده را به نهادهای بزرگ اجتماعی متصل می کند. اهمیت روزافزون مدرسه در نظام های اجتماعی امروز دنیا مرهون توجه ویژه ای است که به نقش آشکار و پنهان مدرسه می شود. ایجاد برابری اجتماعی، متقاعد کردن افراد، تربیت نسلی مسئولیت پذیر و وفادار در کنار افزایش

آگاهی ها و شکل دادن به مهارت های اجتماعی و حرفه ای، انتقال و درونی کردن ارزش های اجتماعی، تداوم فرهنگ، انتقال اندیشه ها و افکار از نسلی به نسل دیگر و پرورش نیروی جدید برای در دست گرفتن نقش های فعال، به مدرسه منزلتی بیش از یک نهاد و موسسه تعلیماتی می دهد. مدرسه از این منظر دست پنهان نظام اجتماعی و دولت محسوب می شود و کارکرد پنهان و نهفته آن به مراتب اهمیت والاتری از آنکه در مدرسه آموخته می شود دارد (اسکندری، ۱۳۸۷).

نهاد تعلیم و تربیت به لحاظ کارکردهای مهمی که ذکر شد شایسته توجه و کندو کاو در زوایای آشکار و پنهان آن است. قاعدتاً انتظار بر این است که دانش آموزانی که در چندین دوره تحصیلی تحت آموزش های خاصی قرار گرفته و در معرض پیامها و ارزش های مشخصی که از سوی مدیریت کلان، برنامه ریزی شده است قرار گرفته اند، هنگام پای گذاشتن به صحنه اجتماع به این ارزشها وفادار باشند و رفتاری مغایر آنها از خود بروز ندهند؛ اما متأسفانه بروز رفتارهایی مغایر با آنچه به صورت رسمی در دستور کار مدارس و موسسات آموزشی قرار داشته و برای مدتی نسبتاً طولانی به دانش آموزان عرضه شده است بسیار مشهود بوده و مایه نگرانی نسبت به کارآمدی سیستم تعلیم و تربیت شده است. می بایست با دقت بیشتری نسبت به واقعیت آنچه به دانش آموزان از طریق فضای آموزشی با تمام کلیت آن منتقل می شود نظر کرد. این پژوهش با ترسیم چنین رسالتی شکل گرفته است. برنامه درسی پنهان مفهومی است که به کارکردهای پنهان مدرسه توجه دارد. برنامه درسی پنهان برنامه ای ضمنی است که جنبه های تصادفی، اتفاقی و طراحی نشده تعلیم و تربیت را در بر می گیرد. پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت متفق القولند که دانش آموزان در مدرسه تنها دروس مطرح در برنامه مدرسه را فرا نمی گیرند بلکه علاوه بر آن مطالبی می آموزند که در هیچ جای برنامه مدرسه به آنها اشاره نشده است. این آموخته های فرعی محتوای همان برنامه درسی پنهان اند. این برنامه، منابعی از قبیل: دیوان سالاری، قوانین و مقررات، روشها و نظامهای مدیریت مدرسه، جو اجتماعی مدرسه، تعامل دانش آموز و معلم و اقتدار و ساختار مدرسه دارد (ظهیری، ۱۳۹۳).

گتزلز^۱ (۲۰۰۲) به نقل از ظهیری، (۱۳۹۳) ساختار فیزیکی کلاس را در انواع گوناگون مدارس توصیف می کند؛ و بر آن است که هر ساختار، تصور خاصی از دانش آموز آرمانی به ذهن کودکان القا می کند. به عنوان مثال کلاس درس مستطیل شکل که میز و نیمکت دانش آموزان در ردیفهای مستقیم و به هم پیوسته محکم به کف کلاس پیچ شده اند و میز معلم روبروی آنها در وسط کلاس قرار گرفته است این تصور را به ذهن القا می کند که دانش آموزان موجوداتی خالی الذهن و تحت کنترل معلم که تنها منبع یادگیری است هستند. زمانی که در و دیوار و محیط فیزیکی می تواند انتقال چنین معانی ای را برعهده گیرد، حتماً تأثیر معلم به عنوان عنصری متغیر و متفکر و بازیگر عمده در تعامل چهره به چهره بر رفتار اجتماعی دانش آموزان از اهمیت فراوانی برخوردار است. معلم باید از هر آنچه که در کلاس درس اتفاق می افتد اطلاع داشته باشد زیرا آموخته های واقعی دانش آموزان تنها از برنامه درسی آشکار و محتوای رسمی کتب نشأت نمی گیرد بلکه بسیاری از این آموخته ها متأثر از صفات و شخصیت، اصول اخلاقی، عادت ها، آداب و رسوم و فرهنگ معلم است.

^۱. Getzels

پورتلی^۱ (۲۰۰۹)، مفاهیم گوناگونی را در پیشینه ی برنامه درسی می توان یافت، به چهار دسته زیر تقسیم نموده است: (به نقل از رضوانی، ۱۳۹۴).

الف-پیام ها و انتظارات غیر رسمی یا پنهان مورد انتظار.

ب-پیام ها یا نتایج یاد گیری قصد نشده.

ج-پیام های غیر صریح و ضمنی ناشی از ساختار مدرسه.

د-برنامه ای که توسط دانش آموزان ایجاد می شود.

یافته های پژوهشی بیان فر و همکاران (۱۳۹۱)، نشان داده که ۸۵/۶۸ درصد بازده های عاطفی یادگیری دانش آموزان، متأثر از برنامه درسی پنهان مدرسه است.

یافته های پژوهشی کریمی (۱۳۹۱) نشان داده که از آنجا که برنامه درسی پنهان، جنبه های برجسته و گسترده نظام آموزشی را تشکیل می دهد، آنچه آموزش می دهد، تأثیر گذار ترین مطالبی است که فراگیران در طول دوران تحصیل فرا می گیرند. از این رو شناسایی عوامل باز دارنده برنامه درسی پنهان با تأکید بر جنبه های اجتماعی می تواند به تحقق اهداف برنامه ریزی شده و آشکار تربیت اجتماعی محیط آموزشی کمک کند.

یافته های حاصل از پژوهش محمدی مهر (۱۳۹۲)، با عنوان برنامه درسی پنهان و نقش آن در آموزش عالی، این گونه است که آنچه طراحان و برنامه ریزان درسی در نظام آموزشی برای رشد و تربیت دانشجویان طراحی و برنامه ریزی می کنند، برنامه درسی رسمی است و به برنامه درسی پنهان و جنبه های آن توجه خاصی نمی گردد.

همچنین دریافته های حاصل از پژوهش رضوانی (۱۳۹۴) عنوان شد که یک بازآفرینی ارزشی از طریق برنامه درسی پنهان وجود دارد که گرایش به این ارزش ها (چه مثبت، چه منفی)، توسط کادر مدرسه تقویت می شود و تداوم می یابد؛ بنابراین، بدلیل نادیده گرفتن برنامه درسی قصد نشده از سوی عوامل اجرایی در مدارس استثنایی، این پژوهش با هدف بررسی پیامد های قصد نشده (برنامه درسی پنهان) محیط اجتماعی دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس استثنایی شهر یزد از دیدگاه مدیران و معلمان صورت گرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

برنامه درسی پنهان از مهمترین مفاهیم در حوزه برنامه ریزی درسی و جامعه شناسی آموزش و پرورش است که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و محققان این حوزه ها قرار گرفته و از زوایای بسیاری مورد کند و کاو قرار گرفته است. به نظر می رسد معلم که نقش بسیار مهمی در امر آموزش و تربیت دانش آموزان دارد از لحاظ ایفای نقش در برنامه درسی پنهان و آموزش های ضمنی و قصد نشده نیز جایگاه مهمی داشته باشد. این پژوهش قصد نگاهی عمیق تر به حقیقت آنچه توسط معلم آموزش داده می شود و نقش آن بر رفتاراجتماعی دانش آموزان دارد. معلم یک انسان است گفتار و رفتار انسان، پر از اندیشه و قصد و غرض است. هر چیزی که از انسان سر می زند، خواه بداند یا نه، بخاطر چیزی، برای روی آوردن به چیزی و یا گریز از چیزی است. از نظر دیلتای^۲ (۲۰۰۹) به نقل از ظهیری، ۱۳۹۳، ص ۱۰) برای ادراک عمل آدمی باید او را تفسیر کرد و معانی پنهان

^۱ Portelli

^۲ Dilthey

عمل او را کشف کرد. انسان یک متن بسته و تک معنا نیست. رفتارها و اعمال آدمی به متن بازی می ماند که دارای معانی بسیاری است. معانی پنهان و چند ارزشی که اصول منطق و نظم تک معنا بر آن حاکم نیست. برای فهم چنین پدیده ای باید به ساختار عمق، بافت و کارکرد آن توجه کرد (اسکندری، ۱۳۹۱).

حوزه ی آموزش و پرورش بی شک حوزه ی بنیادی و زیرساختی برای رشد هر جامعه است. اگر مسائل و مشکلات این حوزه با نگاهی عمیق و کارشناسانه کاویده شود و راه حل‌های موثری برای آنها ارائه شود با توجه به خصلت سیستمی جامعه که در آن همه ی اجزا در ارتباط و تأثیر و تأثر برهم هستند می تواند در ارتقای کل جامعه سودمند واقع شود. در این پژوهش از میان دوره های مختلف تحصیلی که هر کدام نقشی در تجربه اندوزی فرد و تکوین شخصیت او دارند دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است. علت انتخاب دوره ابتدایی در پژوهش حاضر، کثرت اقوال در زمینه ثبات آموخته ها در این دوره است و تأثیر ماندگار آموخته های این دوره در زندگی افراد است که در این زمینه راهنمای عمل ما حدیث گرانقدر سرور کائنات حضرت محمد (ص) می باشد که می فرماید: العلم فی الصغر، کالنقش فی الحجر- آموخته ها در دوران کودکی همانند نقش بر سنگ پایدار است (به نقل از ظهیری، ۱۳۹۳).

سوالات پژوهش

تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است که متضمن برخی از مهمترین مولفه های برنامه درسی قصد نشده ناشی از محیط اجتماعی می باشد.

۱. آیا قوانین مدرسه مانند (حضور و غیاب، مراسم صبحگاهی و...) بر بهبود روابط متقابل (بین کادر آموزشی و دانش آموزان) موثر است؟
۲. آیا حضور به موقع و منظم معلمان و دانش آموزان سر کلاس درس بر محیط اجتماعی مدرسه، موثر است؟
۳. آیا استفاده از فناوری اطلاعات مانند (اینترنت، گوشی همراه) توسط معلمان (به عنوان الگوی رفتاری دانش آموزان) بر نظم پذیری دانش آموزان و تبعیت آنها از قوانین مدرسه موثر است؟
۴. آیا مرتب بودن و نظم در ظاهر معلمان و کارکنان مدارس، بر نظم پذیری دانش آموزان در کلاس موثر است؟
۵. آیا افزایش فعالیت های گروهی (مانند تشکیل گروه سرود، مسابقات ورزشی، اردو) برگرایش دانش آموزان، به مدرسه و فعالیت اجتماعی موثر است؟

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی از نوع کیفی است. به دلیل اینکه ماهیت برنامه درسی پنهان مملوس و قابل اندازه گیری با روشهای کمی نیست صاحب نظران روش های اندازه گیری کیفی را به عنوان روش مناسب پیشنهاد می کنند تقریباً اکثر مطالعات انجام شده در ای زمینه بصورت کیفی بوده است. (علیخانی، ۱۳۸۳). جامعه آماری، آموزگاران ابتدایی مدارس استثنایی شهر یزد و حجم نمونه ۲۰ نفر از آموزگاران است. روش نمونه گیری. گزینشی بوده است ابزار تحقیق، در مطالعه حاضر مصاحبه بود. و کلیه تحلیل های حاصل از مصاحبه روی همین گروه انجام گردید که توسط پژوهشگر بصورت حضوری صورت گرفته است. در تنظیم سوالات مصاحبه از سوالات مصاحبه های معتبر و نظرات جمعی از صاحب نظران تعلیم و تربیت استفاده شده است. بدین صورت که جمع آوری، تلخیص و نتیجه گیری و تعبیری و تفسیر نتایج را تعدادی متخصصان تعلیم و تربیت و چند صاحب نظر تعلیم و تربیت تایید کردند. در پژوهشهای کیفی و انجام مصاحبه نیز، نتایج متکی به اعتماد به پژوهشگر، توانایی او در ایجاد محیطی مناسب و غیررسمی در انجام مصاحبه ها، تسلط وی به موضوع تحقیق، به خصوص توانایی هدایت مصاحبه ها و طرح

هر سؤال بر اساس پاسخ به سؤالات پیشین می باشد. بدیهی است در تحقیقات کیفی این نکته مد نظر پژوهشگر است که مشخص می کند کدامیک از پاسخ ها دارای روایی هستند و به عنوان پیامد قصد نشده محیط اجتماعی حاکم تلقی می شود.

مراحل اجرا

در مرحله اجرای این پژوهش ضمن هماهنگی با مدیران و معاونان مدارس در یک فرصت مناسب ۱۵ الی ۲۰ نفر از معلمان ابتدایی مدارس استثنایی پایه های مختلف که به گزینشی انتخاب شده بودند نوع جامعه و معلمی که طرف مصاحبه بودند بر مبنای سابقه و اجرای برنامه درسی پنهان که قبلا داشتند و همچنین تجربیات تدریس بیشتر و تحصیلات بالاتری در آموزش کودکان استثنایی برخوردار بودند. برای اعمال روند یکسان در انجام مصاحبه ها و نتیجه گیری دقیق تر همه مصاحبه ها توسط پژوهشگر انجام شد همچنین به منظور تجزیه و تحلیل دقیق تر نظرات معلمان و استفاده از نظرات سایر متخصصان مصاحبه با معلمانی که موافق بودند یاد داشت گردید تا ضمن دقت در پاسخ گویی به سؤالات در صورت ابهام در هر مورد از پژوهشگر سوال نمایند همچنین در صورتی که معلمی تمایل به پاسخ گویی نداشت، تعدادی دیگر معلمان انتخاب می شدند و سوال می شد. علت انتخاب معلمان ابتدایی مدارس استثنایی این بود که دانش آموزان استثنایی به علت شرایط جسمی و ذهنی در ایجاد ارتباط و تعامل اجتماعی به طور قطع دچار مشکل خواهند شد و اجرای درست برنامه درسی پنهان برای چنین دانش آموزانی الزامی و زمینه ساز تقویت ارتباط بهتر در روابط اجتماعی و نقش آفرینی بهتر در جامعه خواهد شد از طرفی معلمان اطلاعات دقیق تری در مورد فضای مدرسه و یادگیری های قصد نشده دارند.

پس از انجام مصاحبه و تحلیل اظهار نظر های معلمان نتایج حاصل به عنوان روند ساری و جاری فضای اجتماعی حاکم بر مدارس ابتدایی استثنایی مشخص گردید سپس از بین ۱۲ مدرسه، چهار مدرسه که دارای فضای همکاری نسبتاً بهتری بودند انتخاب گردیدند و هر کدام از این مدارس ۴ الی ۵ نفر از معلمان ابتدایی مدارس استثنایی پایه های مختلف مورد مصاحبه قرار گرفتند برای اعمال روند یکسان در انجام مصاحبه ها و نتیجه گیری دقیق تر همه مصاحبه ها توسط پژوهشگر انجام شد همچنین به منظور تجزیه و تحلیل دقیق تر نظرات معلمان و استفاده از نظرات سایر متخصصان مصاحبه با معلمانی که موافق بودند یادداشت گردید.

یافته های پژوهش

سوال اول: آیا قوانین مدرسه مانند (حضور و غیاب، مراسم صبحگاهی و...) می تواند بر بهبود روابط متقابل (بین کادر آموزشی و دانش آموزان) موثر باشد؟

یکی از معلمان سال سوم دبستان با توجه به تجربیات خود این چنین اظهار داشت: معلمان می توانند سر صف صبحگاه بیایند و در کنار دانش آموزان حضور داشته باشند و آنها نیز مثل دانش آموزان به احترام قرآن سکوت کرده و سپس با دانش آموزان به کلاس بیایند تا دانش آموزان بطور غیر مستقیم احساس کنند معلم نیز مثل آنهاست و تعامل اجتماعی و قوانین و مقررات برای همه است (ایجاد انگیزه برای احترام به قرآن و مراسم صبحگاهی)

طبق این اظهارات، اگر معلمان سر صف صبحگاهی با یکدیگر صحبت کنند، بی نظمی و بی احترامی به قرآن و به مراسم صبحگاهی برای دانش آموزان تداعی می شود که با سکوت معلمان، دانش آموزان می آموزند که در صف صبحگاهی چگونه رفتار کنند و همین عامل باعث نزدیکی روابط و تعامل اجتماعی معلم و دانش آموز می شود.

همچنین معلم می تواند هنگام حضور و غیاب مثلاً به دانش آموزی بگوید سرما خورده بودی حالا بهتر شدی؟ چه خوب که بهتر شدی و دوباره سر کلاس آمدی (صمیمیت بین معلم و دانش آموز بیشتر می شود)

معلم دیگری این چنین بیان داشت که: معلم هنگام حضور و غیاب و فرستادن اسامی غایبین به دفتر در حضور دیگر دانش آموزان تاکید کند که حتما با والدین دانش آموز تماس گرفته شود و علت غیبت او را جویا شوند و معلم را در جریان بگذارند پس از جویا شدن می تواند بگوید: چه خوب شد که مرا از نگرانی نجات دادید. (صمیمیت بین معلم و دانش آموزان)

اگر روابط متقابل دانش آموزان و معلمان بدین صورت نباشد، دانش آموز احساس می کند حضور او یا عدم حضور او برای معلم اهمیتی ندارد و احساس می کند که سلامتی او برای معلم فاقد اهمیت است. بدین ترتیب احساس تنهایی و گوشه گیری می کند و در سنین بالاتر بدلیل عدم قدرت تصمیم گیری که دانش آموزان کم توان ذهنی دارند ممکن است باعث دوستی های خیابانی شود که البته این امر بدلیل احساس تنهایی و سرخوردگی دانش آموز رخ می دهد و منشا آن معلم است که نتوانسته به دانش آموز ثابت کند که با وجود معلولیتی که در فرد وجود دارد، برای اطرافیان فرد مهمی تلقی می شود.

همچنین معلم می تواند برای حضور و غیاب زمان خاصی در نظر گیرد و مثلا به صورت بازی پاسخ دهند مثلا پس از خواندن اسم شخص بجای کلمه حاضر بگوید من اینجا هستم دوست من. من آمده ام در کنار دوستم. من آمده ام از دوستم مطالب آموزشی یاد بگیرم (احساس صمیمیت و دوستی متقابل بین معلم و دانش آموز خود به خود تداعی می شود)

معلم پایه چهارم ابتدایی این چنین معتقد بود که: معلم می تواند برای ساعتی که شیر مدرسه توزیع می شود، مراسمی اجرا کند مثلا مسابقه شیر خوردن سپس محیط شاد بوجود آید از طریق معلم و دانش آموزان سپس لیوان های شیر را جمع آوری کنند در کیسه زباله (تداعی نظم و صمیمیت بین معلم و دانش آموزان)

در مدارس استثنایی بدلیل اختلال حواس بسیاری از دانش آموزان، بطور ناخود آگاه فراموش می شود که سطل زباله در کجا قرار دارد و این امر باعث می شود دانش آموز لیوان شیر را در مدرسه رها کند و باعث آلودگی محیط شود اما با اجرای بازی و مسابقه و سپس جمع آوری زباله، خاطرات تمام فعالیتها باعث می شود دانش آموز به یاد بیاورد که پس از خوردن شیر در مدرسه باید لیوان شیر را در کیسه زباله بریزد.

همچنین مراسم صبحگاهی، نماز جماعت و مراسم دینی همراه با معلمان و سایر پرسنل می تواند به دانش آموزان اینگونه القا کند که شرکت در مراسم صبحگاهی و نماز جماعت و مراسم های مذهبی، یکی از وظایف مهم تربیتی و دینی محسوب می شود چون همه در این مراسم شرکت دارند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند (بدلیل حضور معلمان می تواند در کودکان تبدیل به ارزش درونی شود) می توان در حین اجرای مراسم صبحگاهی و ... مراسم شاد نیز اجرا کرد تا دانش آموزان احساس صمیمیت و دوستی بیشتر با کادر آموزشی و ... داشته باشند.

از نظر این معلم: فضای مدرسه که مراسم اجرا می شود می تواند تزئین شود و در بین این تزئینات می توان عکس های دانش آموزان و معلمان در مراسم های قبلی نیز به دیوار مدرسه نصب شود (حتی می توان آن را بنر طولی کرد و در مدرسه نصب کرد تا یادآور مراسم هایی باشد که در کنار معلم ها گذراندند). همچنین تشویق کودکان در صف صبحگاهی و اهدا جایزه به آنها جهت بهبود صمیمیت بین آنها (معلم و شاگرد) می تواند در احساس تعلق دانش آموزان به مدرسه و قوانین مدرسه بسیار مفید باشد. در نتیجه تبعیت از قوانین زمینه ساز تربیت افرادی قانونمند در جامعه می گردد... نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های بیانفر (۱۳۹۱) و رضوانی (۱۳۹۱) مطابقت داشت.

سوال دوم: آیا حضور به موقع و منظم معلمان و دانش آموزان سر کلاس درس می تواند بر فضای اجتماعی مدرسه، موثر باشد؟

یکی از معلمان سال دوم دبستان در این زمینه عنوان کرد که: معلم می تواند هنگام ورود دانش آموز به کلاس از آنها احوال پرسی کند و جویای حال آنها شود از آنها بخواهد به صف وارد کلاس شوند تا هم نظم رعایت شود و هم باعث صمیمیت و دوستی شود معلم می تواند زودتر از دیگران در کلاس باشد تا به موقع آمدن سر کلاس و نظم برای دانش آموز به صورت برنامه درسی پنهان تداعی شود و یاد بگیرد که معلم اگر سر کلاس دیر حضور داشته باشد، دانش آموز دیگر رفتارهای مثبت او را نادیده می گیرد و بهانه ای می شود برای بی انضباطی دانش آموزان، غیبت بی مورد و غیبت زیاد دانش آموزان در کلاس درس

و همچنین حضور به موقع معلم در کلاس باعث می شود شخصیت معلمی را در کلاس حفظ کرده فعالیتها را به موقع و منظم انجام می دهد و استرس به خودش و جو کلاس و دانش آموزان وارد نمی کند و دانش آموز یاد می گیرد که انجام به موقع امور یعنی نظم و دقت بیشتر.

معلم دیگری این چنین بیان داشت: که اگر معلم به موقع سر کلاس حضور نداشته باشد با توجه به شرایط کودکان استثنایی در این فاصله زمانی ممکن است دانش آموزان با یکدیگر درگیر شوند و خشونت را از دیگران بیاموزند و منجر به بی نظمی هایی می شود که هنگام حضور معلم، تازه سر کلاس باید درگیری ها را خاتمه دهد سپس درس را شروع کند که این امر منجر به هدر رفتن و اتلاف وقت کلاس و از دست دادن زمانی می شود که جبران آن امکان ندارد. در نتیجه، با توجه به اینکه معلم به عنوان سرمشق و الگوی دانش آموزان است، با حضور به موقع و منظم معلم در محیط کار، این امر سبب الگو پذیری دانش آموزان و تبعیت از نظم حاکم بر فضای کلاس می شود. همچنین، باعث زمینه سازی و تقویت روحیه مسئولیت پذیری برای پذیرفتن نقش هایی مهم تر در آینده و فضای اجتماعی می گردد. در اصل رعایت نظم توسط معلمان این باور را در وجود دانش آموزان ایجاد و پرورش می دهد که راه پیشرفت در عملکرد تحصیلی نظم است و این باور می تواند زمینه ساز تربیت انسان هایی با تعهد و مسئولیت پذیر در بطن جامعه گردد.

حال اگر این موضوع مهم تلقی نشود می تواند دانش آموزی به کلاس تحویل دهد که بدلیل مهم نبودن ساعت حضور معلم و سایر پرسنل، او نیز در ساعات بعدی مثلا ساعت ۹ به بعد حضور پیدا کند و در پایان کلاس نیز بدلیل اینکه برای او نظم در ساعات کلاس اهمیت ندارد، در کلاس بی تابی کند و منجر به خشونت دانش آموز در پایان کلاس می شود؛ زیرا دانش آموز استثنایی نیاموخته که حضور در کلاس برای همه مهم و قانونی است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های بیانفر (۱۳۹۱) و علیخانی (۱۳۸۳) مطابقت داشت.

سوال سوم: آیا استفاده از فناوری اطلاعات مانند (اینترنت، گوشی همراه) توسط معلمان (به عنوان الگو رفتاری دانش آموزان) می تواند بر نظم پذیری دانش آموزان و تبعیت آنها از قوانین مدرسه موثر باشد؟

یکی از معلمان پایه اول ابتدایی در این مورد این گونه اظهار داشت: معلم با فناوری اطلاعات مثل کامپیوتر و اینترنت و ... می تواند مثلا شخم زدن زمین و دروس دیگر را آموزش دهد و نکات بهداشتی را به صورت یک کارتن در کلاس نمایش دهد تا دانش آموزان از طریق کارتن آموزش ببینند. معلمان می توانند از طریق فناوری اطلاعات ... نظم را در قالب یک کارتن، پوستر، عکس، پیام های اخلاقی و ... در شبکه های مجازی برای دانش آموزان تداوی کنند.

بدلیل اینکه بسیاری از دانش آموزان استثنایی گروه جسمی و حرکتی نمی توانند به راحتی در بسیاری از مکانها مثل زمین کشاورزی و ... حضور پیدا کنند، دنیای مجازی می تواند به آنها بسیاری مکانها را نشان دهد و باعث یاد گیری این گروه از دانش آموزان استثنایی شود.

از نظر معلم دیگر: فضای اینترنت و کامپیوتر، تفاوت های فردی را در دانش آموزان در نظر نمی گیرد و نمی تواند جایگزین خوبی برای تدریس باشد و حتما باید معلم در کنار کامپیوتر به عنوان تسهیل کننده برنامه های درسی حضور داشته باشد. معلم می تواند مثلا فایل های بهم ریخته بسازد و وانمود کند فایلی را پیدا نمی کند هفته بعد فایل های منظم و اسم گذاری شده بیاورد تا نظم را به دانش آموز نشان دهد و سپس نظم را در قالب فیلم آموزش دهد.

با توجه به این اظهار نظر، اگر دانش آموز بیش فعال بدلیل مصرف داروهای خود، دچار خواب آلودگی باشد، کامپیوتر و اینترنت نمی تواند این مشکل را شناسایی کند و اگر معلم حضور نداشته باشد تا این معضل برطرف شود، در واقع یادگیری صورت نگرفته است. این امر، پیامد دیگری نیز بدنبال دارد؛ مثلا دیگر دانش آموزان بدلیل تقلید از این دانش آموز، هنگام آموزش توسط کامپیوتر و دنیای مجازی، مانند او، در ساعت آموزش، توجهی به درس ندارند و کم توجهی یا خشونت را در کلاس می توان مشاهده کرد که این اتفاق نیز باعث شروع یادگیری خشونت و بی نظمی از طریق برنامه درسی پنهان در کلاس شود. بنابراین حضور معلم الزامی است.

همچنین معلم باید در قالب نظم در فضای آموزشی، بازی هایی را به کلاس بیاورد مثلا: کی خونه را بهم ریخته؟ - ماشین را منظم پارک کن - توپ ها مال کدام سبده؟ تا نظم را یاد بگیرد و متوجه منظم بودن فضای اطراف شود. دانش آموز استثنایی با قدرت درک متوسط رو به بالا به نسبت بقیه کودکان می تواند فیلم در قالب آفریده های خداوند را درک کند و پی به نظم هستی و جهان ببرد.

در واقع اظهار نکردن این مسائل می تواند سطح علم و شناخت دانش آموز از دنیای پیرامون و نظم هستی را در حد پایین تر از سن کودک نگه دارد و رشدچشمگیری در بینش او نسبت به جهان بینی او صورت نگیرد (بدلیل پایین بودن سن عقلی کودک کم توان ذهنی نسبت به سن تقویمی او و عدم درک مستقیم بسیاری از مسائل در اطراف او) وی همچنین بیان داشت که دانش آموزان استثنایی دارای اختلال حواس بسیاری از فعالیت ها را از روی عادت، به صورت بی نظمانه ای انجام می دهند و اینترنت و کامپیوتر می تواند در قالب فیلم و بازیهای فکری، مقداری از حواس کودکان آسیب دیده ذهنی را بهبود بخشد. موسیقی همراه با بازی کامپیوتری کمک زیادی به نظم کودکان استثنایی می کند که می تواند به صورت یک ارزش در وجود کودکان نهادینه شود و بطور خودکار منظم شوند.

بعضی موارد، بدلیل مشکلات جسمی دانش آموزان استثنایی و خط بدی که دارند برای نوشتن (خط تحریری بسیار بد) دانش آموز ناخودآگاه بی نظم می شود و تبدیل به عادت می شود اگر این دانش آموزان از طریق هوشمند سازی و تکالیف با کامپیوتر و با تبلت انجام دهد، می تواند تکالیف دانش آموز را منظم تر جلوه دهد و یادگیری را آسان تر می نماید.

البته ایشان معتقد بود که از نکات منفی دنیای مجازی نباید غافل بود و این دانش آموزان نیز مانند سایر دانش آموزان عادی می توانند الگو پذیری منفی از دنیای رنگارنگ مجازی داشته باشد. اینترنت بر هویت اجتماعی مثل نوع و مدل لباس، سر و صورت، شیوه های زندگی بهتر یا بدتر، سنتی یا امروزی زندگی کردن اثر می گذارد. اینترنت می تواند عقاید مذهبی را به چالش بکشد یا اینکه عقاید مذهبی تبدیل به ارزش شود. بخصوص در شهر دارالعباده یزد این موضوع می تواند پر رنگ تر از بقیه جلوه دار شود.

بسیاری از دانش آموزان استثنایی بدلیل اختلال حواس و گفتار، تکرار بیش از حد و به اصطلاح طوطی وار مطالب و در پی آن، تاثیر از دنیای رنگارنگ مجازی و حتی ماهواره، ممکن است جمله ای را مدام تکرار کنند که مغایر شئون اخلاقی و دینی باشد که در پی آن دیگر دانش آموزان نیز بی هدف آن را تکرار می کنند و پس از چندین مرتبه تکرار این مطلب، دانش آموز بطور غیر مستقیم مطلب غیر اخلاقی را آموخته که منشا آن، اثرات غیر مستقیم دنیای مجازی و ماهواره بر روی دانش آموز استثنایی است.

از دیگر تاثیر منفی در بین دانش آموز استثنایی می توان به این نکته اشاره کرد که دانش آموز استثنایی بدلیل عدم توانایی تشخیص خوب از بد و در پی آن، انتشار مطالب غیر اخلاقی توسط فضای مجازی و تقلید کورکورانه دانش آموز استثنایی، منجر به انجام عملی غیر اخلاقی و غیر دینی حتی در حد جبران ناپذیر و در ملاء عام توسط دانش آموز استثنایی می شود که این نیز باعث آموزش دیگر دانش آموزان می شود که عدم کنترل این حادثه، عواقب غیر قابل جبران را برای دانش آموز، مدرسه و دیگر دانش آموزان در پی دارد.

در نتیجه اتفاق نظر معلمان بر نقش بهره گیری از فناوری اطلاعات دو سویه و مثبت و منفی می باشد. استفاده از فناوری اطلاعات مانند استفاده از نرم افزارهای آموزشی سبب تقویت علمی دانش آموزان و بالابردن قدرت یادگیری آنها می شود و از سوی دیگر باتوجه به گسترش روز افزون استفاده از گوشی همراه و اینترنت توسط والدین و معلمان زمینه ساز الگو برداری و گرایش دانش آموزان به این سو گشته که این امر با توجه به فرهنگ غلط و بدون کنترل دنیای مجازی میتواند سبب آموزش موارد غلط به دانش آموزان گردد بدین صورت استفاده از گوشی همراه می تواند رویه منفی بر دانش آموزان داشته باشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های بیانفر (۱۳۹۱) و رضوانی (۱۳۹۱) مطابقت داشت.

سوال چهارم: آیا مرتب بودن و نظم در ظاهر معلمان و کارکنان مدارس، می تواند بر نظم پذیری دانش آموزان در کلاس تاثیر بگذارد؟

معلمی در این مورد نظریات جالبی را بیان کرد او معتقد بود که اگر معلم در کلاس برای هر چیزی روی میز خود و وسایل شخصی خود، جای مخصوصی در نظر گیرد و اگر جابه جا شد و در جای دیگر قرار گرفت تظاهر به ناراحت شدن و احساس ناراحتی کند، تاثیر آن روی دانش آموزان بدین صورت است که آنها نیز در کلاس برای هر چیز جای مخصوصی در نظر می گیرند و نظم را در کلاس اجرا می کنند.

همچنین اگر معلم برنامه تمیز کردن کلاس را جزء برنامه های خود قرار دهد حتی بعنوان بازی در کلاس اجرا کند و بگوید هر کس بیشترین زباله را به من تحویل دهد برنده این بازی است سپس به دانش آموزان بگوید چه کلاس تمیزی؟ به به چقدر بهتر از قبل شد؟ چقدر منظم شد و زیباتر به نظر می رسد؟ (تمرین نظم در زندگی و تبدیل به نوعی رفتار روزمره)

یک معلم پایه آمادگی تکمیلی اظهار داشت: معلم با مخفی کردن وسیله خود روی میز و شلوغ و نامرتب کردن میز خود در کلاس می تواند وانمود کند که مثلا دفتر کلاس، بدلیل نامرتب بودن میز معلم و همچنین نامرتب بودن کمد معلم گم شده است و معلم احساس ناراحتی می کند حالا می تواند با کمک دانش آموزان وسایل بهم ریخته را مرتب کنند تا دفتر کلاس پیدا شود و سپس معلم می گوید: خب چقدر بهتر شد نظم داشته باشیم. وسایل را سر جای خودش قرار دهیم و هیچ چیز را گم نکنیم بچه ها بیایید قول بدهیم هر روز کلاس و وسایلمان تمیز و مرتب باشد. همچنین می تواند در کنار این رفتارها، هر روز بگوید: من اول میز و وسایلم را مرتب کنم تا درس را شروع کنیم بدین صورت دانش آموز یاد می گیرد که نظم چیست و مرتب و منظم بودن چقدر مفید است.

از جنبه های منفی این موضوع را می توان چنین عنوان کرد که مثلا: دانش آموز به همکلاس خود نگاه می کند و شاهد آن است که جلد دفتر دوستش کهنه شده است. او نیز تقلیدی کورکورانه انجام می دهد و خیلی سریع جلد دفتر خود را پاره می کند و بی نظمی را از همکلاس خود می آموزد. حال اگر از قبل توسط رفتار معلم، نظم برای او تداعی نشده باشد، بدلیل عدم قدرت تشخیص دانش آموز نمی توان معنای نظم را بطور مستقیم و با توضیح به دانش آموز آموزش داد.

معلم پایه اول می گوید: می تواند یک دستمال را بعنوان تمیز کننده کفش به کلاس برده و بگوید امروز هنگام آمدن به مدرسه کفش هایم کثیف و نامرتب شد، اجازه بدهید اول کفش هایم را تمیز کنم و لکه روی کفش را پاک کنم سپس درون جاکفشی قرار دهم، راستی بچه ها کفش مخصوص کلاس که متعلق به من بود هنوز داخل جا کفشی قرار دارد؟ هنگام خروج از کلاس گذاشتم داخل جاکفشی سپس با پیدا کردن کفش از جاکفشی می گوید: بله تمیز و سالم مونده چون گذاشتم داخل جاکفشی و پس از تمیز کردن کفش قبلی، آن را در جا کفشی قرار می دهند (آموزش مرتب بودن لباس های شخصی)

اظهارات معلم دیگر در پایه سوم بدین صورت بود: معلم می تواند برای آموزش نظم در کلاس، یک بازی ترتیب دهد مثلا تعدادی لباس های چروک به کلاس ببرد و با کودکان بازی کند مثلا قرار است مهمانی بروند و لباس ها را اتو کند (البته دانش آموزان نباید اتو را دست بگیرند به دلیل خطرات آن و فقط معلم اتو را در دست بگیرد و لباس هارا اتو کند) به کودکان بگوید: برای مهمانی رفتن لباس های ما نو، مرتب و اتو شده نیست باید اتو کنیم تا وقتی به خانه خاله می رویم مرتب به نظر بیایی (آموزش مرتب و منظم بودن لباس ها)

حال اگر در حین بازی یا حتی پس از اتمام بازی، مثلا معلم پس از اتو کردن لباسها، آن را بر روی جالباسی کلاس آویزان نکند و یا لباس را پرتاب کند به گوشه ای از کلاس، دانش آموز این بی نظمی را یاد می گیرد و تکرار می کند.

معلم پایه پنجم اظهار کرد که: معلم همراه با دانش آموزان در ساعت صبحانه می تواند به درستی و با قاشق و چنگال میوه و صبحانه خود را بخورد و سپس یک جعبه دستمال کاغذی سفارش دهد تا یک نفر برای او بیاورد و پس از تمام شدن غذا و میوه خود، دست ها را با دستمال کاغذی پاک کند و دستمال کاغذی را در سطل زباله بیندازد.

وی همچنین اظهار داشت: معلم قبل از شروع صبحانه می تواند یک دستمال را به عنوان پیشبند بر روی لباس خود قرار دهد و هنگامی که دانش آموزان سوال می کنند و می گویند خانم این برای چه روی لباس و مقنعه شما قرار دارد، پاسخ دهد برای اینکه غذا روی لباس من نریزد و لباس هایم کثیف و نامرتب نشود. به این ترتیب دانش آموزان نحوه صحیح غذا خوردن و نظم را یاد می گیرند.

معلمی دیگر چنین گفت که: معلم می تواند قبل از ورود به کلاس در بزند و بگوید سلام بچه ها حال شما خوب است؟ این رفتار اگر هر روز تکرار شود دانش آموزان نیز هنگام ورود به کلاس با اجازه وارد می شوند و در زدن را از معلم به طور غیر مستقیم یاد می گیرند.

وی همچنین پیشنهاد داد که: معلم می تواند به شخصی بگوید هنگام صحبت کردن با همکارم، وارد کلاس می شوی و بدون اجازه و بدون اینکه در نظر بگیری که ما با یکدیگر صحبت می کنیم شروع به صحبت در میان صحبت های ما می شوی و بی اجازه دفتر کلاس را که روی میز است باز کن و صفحات آن را ورق بزن. (پس از اجرای این نوع رفتار) معلم تظاهر به عصبانیت و ناراحتی می کند و می گوید: چقدر بی انضباط وارد کلاس شدی و بدون در نظر گرفتن صحبت های من و همکارم و بدون اینکه اجازه بگیری، سلام کنی، در بزنی و صبر کنی صحبت ما تمام شود شروع به صحبت کردی و بی اجازه دست زدی به دفتر کلاس و وسایل من که روی میز گذاشته. واقعا چقدر بی نظمی و بی انضباطی و عدم رعایت ادب و احترام برای دانش آموز مثل تو برآورنده و زیبا نیست برو و مجدد وارد کلاس شو تا به همه ثابت شود تو دختر منظم و مودبی هستی (آموزش ادب و احترام و نظم بطور غیر مستقیم).

معلم دیگری عنوان کرد: هنگامی که روز چهارشنبه می شود معلم می تواند به دانش آموزان بگوید بچه ها لطفا قول دهید که هنگامی که به منزل می روید حتما لباس های خود را بشویید و اتو کشیده و تمیز و مرتب به مدرسه بیایید چون شنبه قرار است عکس بگیریم (یاد دادن مرتب بودن و عکس دلیل منطقی و غیر مستقیم به دانش آموز است) برای عمق بیشتر این موضوع، معلم می تواند دانش آموزی را بطور عمد، با لباس نامرتب به کلاس ببرد و با کم محلی و احساس ناخوشایندی که نسبت به او دارد نشان دهد که یک دانش آموز نامنظم نمی تواند محبوب همه باشد و اگر تمیز و مرتب باشد دارای محبوبیت در جمع می گردد.

در مصاحبه های انجام شده، معلمان معتقدند که: معلم به عنوان عنصر اصلی در هدایت و مدیریت کلاس درس در مدرسه است. این امر، با رعایت نظم در ظاهر می تواند سبب تقویت روحیه دانش آموزان و حس تعلق به مدرسه گردد و از طریق ایجاد پل ارتباطی عاطفی با دانش آموز نقش بسزایی ایفا کند. با توجه به اینکه دانش آموزان امروز آینده سازان جامعه بزرگتر و اجتماع گسترده تر هستند، معلم باعث ایجاد زمینه نهادینه کردن صفت نظم و ترتیب در دانش آموزان گشته و دانش آموزانی را تربیت کند که نظم پذیری در ظاهر و عمل از صفات بارز آنها جهت نقش پذیری در اجتماع و جامعه بزرگتر گردد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های قورچیان (۱۳۸۳) و علیخانی (۱۳۸۳) مطابقت داشت.

سوال پنجم: آیا افزایش فعالیت های گروهی (مانند تشکیل گروه سرود، مسابقات ورزشی، اردو) برگرایش دانش آموزان، به مدرسه و فعالیت اجتماعی تاثیر دارد؟

طبق اظهار نظر معلمان در زمینه ورزش در کودکان استثنایی، فقط کودکانی فعالیت دارند که معلول جسمی حرکتی نباشند چون کودکان جسمی حرکتی به ندرت می توانند ورزش کنند اما افرادی هستند که با داشتن معلولیت جسمی حرکتی می توانند ورزشکار موفق باشند و همین موضوع باعث می شود انسانی موفق و مهم تلقی شوند و غرور آفرینی برای این گروه افراد باعث می شود که از افسردگی روحی نجات پیدا کنند و به نوعی معلولیت خود را فراموش کنند. همچنین کودکان بیش فعال با ورزش می توانند انرژی خود را تخلیه کنند و در ساعات کلاسی آرامتر و با تمرکز بیشتر حضور داشته باشند و می توان برای افزایش تمرکز دانش آموزان از ورزش استفاده کرد.

از طرفی کودکان استثنایی بدلیل عدم سازگاری که با یکدیگر و محیط دارند به سختی می توانند با یکدیگر به صورت گروهی کار کنند اما دانش آموزانی که بهره هوشی بالاتری دارند و سازگار تر هستند به دلیل عدم خشونت در این دانش آموزان، راحت تر می توانند با یکدیگر کار کنند به صورت گروهی و به نوعی زندگی اجتماعی و اجتماعی شدن و سازگاری با دیگران را یاد می گیرند.

همچنین فعالیتهای دیگری مانند گروه سرود و خواندن سرود به دلیل عدم تمرکز کودکان کم توان ذهنی بسیار موفقیت آمیز نیست اما کودکان نابینا و کم بینا بدلیل حافظه بسیار قوی و حواس پنج گانه دیگر که بسیار قوی است، بسیار با یکدیگر سازگارند و می توانند گروهی کار کنند و تعامل اجتماعی این افراد منجر به اجتماعی شدن آنها و حضور آسانتر آنها به اجتماع می شود.

معلمی اشاره کرد که: کودکان ناشنوا نیمه شنوا فقط با ایجاد و اشاره و زبان ناشنویان می توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند این گروه بدلیل اینکه گنجینه لغات ندارند (تاکنون هیچ کلمه ای به گوش این افراد نخورده است) نمی توانند زیاد با دیگران تعامل اجتماعی برقرار کنند و فقط با دیگر ناشنویان ارتباط دارند این گروه در غالب فعالیت های هنری گروهی و مهارت های هنرهای تجسمی (صنایع دستی، گرافیک و نقاشی) می توانند خود را در اجتماع بسیار ماهرانه جلوه دهند.

یکی از معلمان پایه پنجم ابتدایی بیان داشت که: اردوهای دانش آموزی برای دانش آموزان نابینا تشکیل نمی شود زیرا خطرات محیط آنها را تهدید می کند فقط مکانهایی که برای فرد نابینا آشنا باشد و با حواس خود بتواند آن خطر را شناسایی کنند اردو در همان مکان ها تشکیل می شود که باز هم نیاز به مراقبت معلمان دارند.

وی در ادامه گفت: گروه ناشنویان و کم توانان ذهنی در اردو ها می توانند تعامل اجتماعی برقرار کنند همچنین می توانند بازی هایی را که انجام می دهند به صورت گروهی باشد و تعامل اجتماعی را یاد بگیرند گروه جسمی حرکتی به دلیل حرکت های محدود که دارند نمی توانند در اردوها به تنهایی شرکت کنند و هموار بودن محیط بسیار برای این افراد مهم است اما آنها بدلیل اینکه آرام هستند و کم تحرک تر از افراد حتی از افراد عادی نیز کم تحرک تر هستند، باید مراقبین (بهباران مدارس) در اردو ها حضور داشته باشند. این افراد در گروه های اجتماعی بیشتر فعالیت فکری خود را انتقال می دهند و اجرای آن به عهده سایر گروه ها است آنها رهبران خوبی برای سایر گروه ها هستند، این افراد تعامل اجتماعی را مثلا در قالب رهبری گروه تاثیر گروه نشریه دیواری و ... بروز می دهند و معمولا سازگارتز از سایر افراد هستند. این افراد چند مسئولیتی انسانهایی هستند که نمی توان آنها را در گروه خاصی جای داد چنین افرادی باید حتما در محیطی قرار گیرند تا حواس آنها پرورش یابد و در مرحله دوم می توانند خود به خود تعامل اجتماعی برقرار کنند.

در نتیجه ایجاد زمینه مشارکت در فعالیت های گروهی در محیط کلاس و مدرسه زمینه ساز تقویت روحیه همکاری و ارتباطات و مشارکت های گروهی را در دانش آموزان استثنایی بوجود آورده و باورهای ارتباطی را در ذهن دانش آموز تقویت کرده سبب تربیت افرادی می شود که تمایل شدیدی برای فعالیت های گروهی و اجتماعی در جامعه دارند همچنین فعالیت های گروهی مانند مسابقات و بحث گروهی زمینه ساز افزایش قدرت خلاقیت در این دانش آموزان گشته و دانش آموزان را برای مشارکت بیشتر در فعالیت های گروهی سوق خواهد داد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های ظهیری (۱۳۹۳) و علیخانی (۱۳۸۳) مطابق داشت.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از سوال های تحقیق حاکی از آن است که فضای مدرسه و نوع رفتار معلم تاثیر بسزایی بر نقش پذیری اجتماعی دانش آموزان دارد. عدم تمایل دانش آموزان به نظم پذیری در مدارس، پیامدهای منفی مخرب، غیر قابل جبران و فراوانی برای آنها در حیطه های آموزشی، اجتماعی و خانوادگی را در بردارد.

رعایت نظم و انضباط در محیط های آموزشی، یکی از مهمترین اهداف تربیتی است که اولیای مدارس، آنان را در اولویت قرار می دهند و رفتارها و فعالیت آموزشی دانش آموزان نیز تا حد زیادی براساس این پدیده شکل می گیرد. نظم و انضباط باعث می شود که فعالیتهای دانش آموزان با موفقیت انجام گیرد و در نهایت زندگی با نشاط توأم شود و شکوفایی حاصل گردد.

نتایج تحقیق در مورد سوالات حاکی از آن است که قوانین از طریق ایجاد نظم در جو مدرسه سبب ایجاد روابط متقابل بین دانش آموزان و کادر آموزشی مدرسه گشته از طرفی سبب تقویت روحیه قانون پذیری دانش آموزان در آینده نزدیک در

فعالیت های اجتماعی می گردد و از سوی دیگر رعایت قوانین و اجرای صحیح و با کیفیت آنها از طرف معلمان و دانش آموزان باعث تقویت باورهای ارتباطی بصورت متقابل گشته و باعث تمایل دانش آموزان به داشتن رابطه قوی و حس تعلق به مدرسه می گردد. در نتیجه تبعیت از قوانین زمینه ساز تربیت افرادی قانونمند در جامعه می گردد. فلاندرز^۱ (۱۹۸۹)، به نقل از علیخانی، (۱۳۸۳) یکی از نتایج جو بسته و معلم محوری را اطاعت پذیری و از بین رفتن حس کنجکاوی دانش آموزان می داند در نظام های آموزشی به ویژه مدارس استثنایی تبعیت و اطاعت دانش آموزان باید همراه با نوعی انتخاب آگاهانه و آزادانه نه بر اساس اجبار و ناخواسته باشد وابستگی و پیروی محض مانع تربیت صحیح است در چنین حالتی مدارس به جای آزاد گذاشتن دانش آموزان برای پیشرفت، آنان را محدود می نمایند. به جای احترام درونی و انطباق اجتماعی تظاهر به انطباق اجتماعی، به جای کشف و شکوفایی شخصیت خود تقلید و پیروی از شخصیت دیگران، به جای خود یابی دیگریابی، به جای خود پیروی و کنترل درونی، دیگر پیروی و کنترل بیرونی و به جای خود نظمی، نظم توسط دیگران را می آموزند. چنین افرادی معمولاً دارای استقلال آراء و اعتماد به نفس مطلوبی نیستند و نسبت به شخصیت و هویت خود نظر مثبتی ندارند. نتایج مربوط به سوال ها، ارتباط بسیار نزدیکی دارند به عبارت دیگر در جو اجتماعی نامطلوب یکی از پیامدهای منفی اطاعت کورکورانه است و این عامل باعث نگرش منفی افراد نسبت به خودشان می شود نتایج بسیاری از تحقیقات حاکی از آن است که مدارس که جو اجتماعی بسته یا نامطلوب دارند موجب اطاعت پذیری مطلق و کاهش میزان اعتماد به نفس در دانش آموزان می شوند (هوی و میسکل، ۱۹۸۹، کدیور، ۱۳۷۵، اسمیت و منتگومری، ۱۹۹۷، روبی آسبورگ^۲، ۲۰۰۰، به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳)

معلمان، در مقام اشخاصی که باید از آگاهی و توانمندی در شناسایی و ایجاد رابطه سازنده با دانش آموزان برخوردار باشند یکی از مهمترین عوامل در شکل گیری شخصیت رو به رشد دانش آموزان به شمار می آیند. رابطه دوستانه و صمیمی معلمان با دانش آموزان و نیز موفقیت خانوادگی دانش آموزان موجب افزایش میزان نظم پذیری آنان می گردد. یکی از مهمترین وظایف مدارس حفظ و حراست از محیط دانش آموزان است، در واقع هدف اصلی آنان تقویت بنیه علمی و ساختن آینده واقعی کشور رو به پیشرفت است. در حال حاضر آنچه باید در مدارس در زمینه اجتماعی مورد توجه مسئولان باشد، اقدامات عملی و هدفمند است که بایک تعامل خوب با والدین این موضوع تحقق پیدامی کند؛ بنابراین از برنامه ی درسی پنهان می توان هم نتیجه مثبت و هم نتیجه منفی برداشت کرد. به همین جهت نقش مهمی در رفتار اجتماعی دانش آموزان استثنایی در مدرسه دارد.

بنابراین نتیجه که از این بحث حاصل می شود این است که: برنامه درسی پنهان، به حضور لحظه به لحظه و عملی معلم و شاگرد در کلاس وابسته است. برنامه درسی پنهان لزوماً خاص مدرسه و نظام آموزشی نیست. این برنامه تقریباً همیشه و در همه جا، با یادگیری های افراد گره خورده است. توجه به این نکته از اهمیت زیادی برخوردار است. دانش آموزان به برنامه درسی پنهان پاسخ نمی دهند، بلکه آنان از طریق تفسیر و بحث، تحلیل، ادراکات خود و تلفیق و ترکیبهای خود، برنامه ی درسی پنهان را می سازند. برنامه ی درسی پنهان دانش آموزان پاسخی است، به آنچه در محیط آموزشی انجام می دهند. همه منتقدان، علی رغم تفاوتهاشان، در پذیرش یک اندیشه با یکدیگر مشترکند و آن این است که برنامه درسی پنهان، یک متن اجتماعی است. این متن در صورتی معنی دار می گردد که آن را بخوانیم و تفسیر کنیم. شاید مهم ترین اثر مفهوم برنامه درسی پنهان در این نهفته است که محققان با مشاهده تعلیم و تربیت، تدریس و آموزش به شیوه هرمونتیک (یعنی به منزله متنی که باید تفسیر شود، یا معانی پنهان آن آشکار گردد) ترغیب می گردند. تنها با نگاه غیر اثباتی، کیفی و تفسیری به برنامه درسی پنهان، تحقیق و پژوهش درباره رشد، پیشرفت و بهبود آن امکان پذیر خواهد بود.

^۱Flanders^۲Heavy and Myskl, Kadivar, Smith and Mntgvmry, Ruby Sbvrg

پیشنهادهای:

برنامه درسی پنهان، مبین فرصتهای یادگیری است. موجودیت، طبیعت و اثر این جنبه غیر رسمی و غیر مدون برنامه ی نظام آموزشی (مدرسه) باید به طور کامل به وسیله ی مدیران و معلمان، دانش آموزان، والدین شناخته شده و درک شود. تحقیقات معتبر و نوشته های علمی در این زمینه می بایست توسط برنامه ریزان درسی و آموزشی، در جلسات مدیران و سیاست گذاران مورد ارزشیابی و سیاستهای خاصی در این زمینه اتخاذ شود. دوره های آموزشی در قالب آموزش ضمن خدمت حول این موضوع (برنامه درسی پنهان) با مشارکت والدین دانش آموزان و خود دانش آموزان عمیقاً طبیعت و ویژگی برنامه درسی پنهان و فرایندهای برنامه درسی پنهان در محیط مدرسه و خانواده و جامعه مورد بحث و نقد ارزیابی قرار دهند.

در واقع تأکید می شود برنامه های که در این خصوص برگزار می شوند به صورت مستمر و دامنه دار در این مقطع برای معلمان انجام شود.

بهتر است محتوای چنین دوره هایی شامل موارد زیر باشد:

- تحلیل و تفسیر فضای اجتماعی و ساختار فیزیکی مدرسه و کلاس درس
- راههایی شناسایی ارتباطات مناسب بین شاگردان
- راههایی ایجاد تعامل موثر بین دانش آموزان
- تحلیل و تفسیر پیامد های ناشی از برنامه ی درسی پنهان
- شیوه های شناسایی رفتارهای نامطلوب دانش آموزان و راه های مواجهه با آنها
- شیوه های ایجاد تعامل مؤثر میان والدین و معلمان و مشاورین مدرسه.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله، نهایت سپاس و قدر دانی، نثار جناب آقای دکتر محمدحسین علیخانی، استاد راهنمای بزرگوام که دقت علمی و الفبای پژوهش را از ایشان آموختم، بخاطر همراهی و رهنموده های ارزنده و همچنین بدلیل صبر و بردباری فراوان ایشان، به پاس آموخته هایم از ایشان و همچنین به پاس همکاری صمیمانه و سعه صدری که همکاران فرهنگی، در طول مدت پژوهش در انجام مصاحبه داشتند را دارم.

منابع

۱. اسکندری، حسین. (۱۳۸۷). برنامه درسی پنهان. تهران: انتشارات نشر نسیم.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۳. بیان فر، زهرا؛ کریمی عقدا، هادی؛ میر علمی، سادات و کارگریان، پریسا، (۱۳۹۱)، بررسی جایگاه برنامه درسی پنهان در فرایند تربیت اجتماعی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، دومین همایش ملی تربیت معلم، اصفهان، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه اصفهان.
۴. دوانلو، میترا. (۱۳۸۷). برنامه درسی پنهان، نشر ثقلین، بهمن، ۱۳۸۷.
۵. رضوانی، محمود؛ (۱۳۹۴). نقش برنامه درسی پنهان در درس مفاهیم دینی دوره ابتدایی و ارائه راهکار برای استفاده از این برنامه در آموزش اثربخش دینی؛ مقاله همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تربت حیدریه مشهد.
۶. سیلور جز گ، الکساندر. ویلیام ام و لوئیس، آرتور (۱۳۷۲). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر ترجمه خوی نژاد. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس
۷. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۶) روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه.
۸. فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات بال

۹. قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۳) تحلیلی از برنامه درسی مستمر بحثی نو در ارتباط ناشناخته نظام آموزشی فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی شماره ۱_۲
۱۰. کریمی، علی و سجودی، اکرم (۱۳۹۱). بررسی برنامه درسی پنهان بریادگیری و عملکرد دانش آموزان، نخستین کنفرانس بین المللی و دومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش های نوین ایران.
۱۱. کد پور، پروین (۱۳۷۵). بررسی رشد قضاوت های اخلاقی دانش آموزان و رابطه آن با جو سازمانی مدرسه و نحوه تعامل معلم و دانش آموزان فصلنامه تعلیم و تربیت. سال دوازدهم. شماره ۴. زمستان ۱۳۷۵
۱۲. گودرزی، اکرم. گمینیان، وجیهه (۱۳۸۰). اصول مبانی و نظریه های جو و فرهنگ سازمانی اصفهان. انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۳. علیخانی، محمدحسین و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳) بررسی پیامد های قصد نشده (برنامه درسی پنهان) ناشی از محیط اجتماعی مدارس دوره متوسطه اصفهان. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز، دوره سوم، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴.
۱۴. ظهیری، عبدالعلی و حسین زاده، حسین و رضادوست، کریم. (۱۳۹۳). بررسی نقش معلم در برنامه درسی پنهان (مورد مطالعه: آموزگاران شهرستان رامشیر) پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران.
۱۵. محمدی، حسین. (۱۳۹۰). اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب
۱۶. مهر محمدی، محمود. (۱۳۹۲). برنامه درسی پنهان، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی پوچ پنهان در برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکرد ها و چشم انداز ها. تهران: انتشارات سمت
۱۷. یار محمدیان، محمد حسین. (۱۳۹۰). اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

Investigating the Unintended Consequences (Hidden Curriculum) of the Social Environment of Elementary School Students in the Boys and Girls Special Schools of Yazd City from the Perspective of Teachers

Somayeh Fallah¹, Mohammad Hossein Alikhani²

1. *PhD candidate of curriculum, Islamic Azad University, Branch of Meymeh, an elementary school teacher of the Special Education Group of Yazd City*

2. *Associate professor of Islamic Azad University, Branch of Meymeh*

Abstract

With regard to the specific conditions of the mentally retarded students and the need for good planning in order to improve the quality of education and achieve the educational goals, the mentally retarded students are no exception to the rule and it is thus necessary to formulate strategies different from the traditional methods for this type of students. The aim of this study is to investigate the unintended consequence (the hidden curriculum) of the social environment of elementary school students in the boys and girls special schools of Yazd City from the perspective of teachers. This is a descriptive qualitative type of research. As the the hidden curriculum is not tangible by nature and cannot be measured using quantitative methods, experts propose qualitative methods for this purpose. The study population includes the elementary school teachers in Yazd City among whom 20 teachers were selected as the sample size on whom all analyses of qualitative methods were performed. The research tool used in the study was an interview. The questions used in the interview included a valid set of questions about which a group of experts of education were consulted. The results of the survey questions indicated that the school atmosphere and the teachers' type of behavior have great impact on the sociability of the mentally retarded students. Lack of tendency to discipline in schools has negative consequences for mentally retarded students in educational, social and family-related areas. Lack of interest in the discipline, even in students who have acute and non-normal problems paves the way for their law aversion, inferiority complex and further violations.

Keywords: hidden curriculum, social environment, students, elementary school, special education
